

## بررسی و تحلیل دلالتی روایات تفسیری آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال

\* سید ابراهیم موسوی

\*\* سید اسماعیل موسوی

### چکیده

قرآن کریم قانون اساسی مسلمانان و سند حجیت آن، اعجاز و تحریف‌ناپذیری آن است که شرح، تفسیر و تبیین آن به تصریح آیاتش، به حضرت رسول ﷺ و جانشینان معصوم آن حضرت واگذار شده است. حجیت گفتار حضرت رسول ﷺ با قرآن و حجیت سخنان اهل بیت معصوم ﷺ با حدیث متواتر ثقلین بین فریقین تأیید شده است. با توجه به وجود احادیث جعلی به ویژه در روایات تفسیری و شأن نزولها، احراز صحت سند سلسله روایات به معصوم و مهم تر از آن بررسی صحت دلالت محتوایی احادیث تفسیری در عدم مخالفت با قرآن و کشف مراد الهی اهمیت پژوهش در این خصوص را دوچندان می‌کند. براین اساس، پژوهش حاضر، درصدد است با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی، صحت و سقم روایات تفسیری آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال را از حیث سندی و دلالت محتوایی در مخالفت یا عدم مخالفت با آیات قرآن، با نگاه نقدی، تحلیل و تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از هفت روایت تفسیری در این خصوص، ناظر به باید‌های اخلاقی اطاعت‌پذیری از خداوند و نیز از حضرت رسول ﷺ که در سلسله ولایت الهی قرار دارد، صحت دو روایت به جهت مسند بودن و دلالت محتوایی، معتبر است و تأیید می‌شود و دیگر روایات مرسل و فاقد شرایط اعتبار است. نتیجه اینکه حیات طیبه قرآنی با عمل به آموزه‌های قرآن در صورتی شکل می‌گیرد که عمل صالح بر آن صدق کند و صدق عمل صالح همراه با ایمان ولایی است که با پذیرش ولایت اهل بیت معصوم ﷺ که در سلسله ولایت الهی و ولایت رسول الله ﷺ قرار دارند معنا پیدا می‌کند.

### واژگان کلیدی

سندشناسی روایات، تحلیل دلالتی، روایات تفسیری، سوره انفال، نبوت و امامت.

\*. مدرس و پژوهشگر گروه معارف دانشگاه جامع امام حسین ﷺ (نویسنده مسئول). mosaviebrahim8@gmail.com  
\*\* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم. moosavi.s.esmaeel@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

## مقدمه

قرآن حکیم (آیات و حیانی) و روایات (سخنان) و سنت (رفتار و کردار) پیامبر اعظم ﷺ و خاندان پاکشان منابع نقلی برای شناخت معارف اسلام ناب در همه ابعاد آن یعنی عقاید و اخلاق و احکام و حقوق فردی و اجتماعی هستند. از این رو، امامان علیهم السلام بر فراگیری آموزه‌های قرآن و احادیث، حفظ و نقل مستند آنها بسیار تأکید داشتند.

ناگفته پیداست که هر دو منبع یادشده نیازمند تفسیر و تحلیل (متنی، بینامتنی، فرامتنی و موضوعی) هستند که این مباحث را دربرمی‌گیرد: روشنگری مفهومی و مصداقی؛ آشکار ساختن مدلول ظاهری و مراد جدی خدای منان از کلمات و حیانی قرآن؛ کشف مراد حقیقی معصومان علیهم السلام از روایات تفسیری؛ چگونگی و چرایی استناد آنها به معصومان علیهم السلام.

با خواست خدای والا، آیات قرآن مجید در طول تاریخ از دستبرد ایمن مانده است؛ اما روایات در معرض دس و جعل و تحریف قرار داشتند. از این رو، در دو قلمرو «چگونگی و چرایی استناد به معصوم» و «کشف مدلول و مفاد» نیازمند بررسی هستند. بر این پایه، دانش‌های گوناگونی مانند ادبیات (لغت، صرف، نحو و بلاغت) و تفسیر و رجال و درایه رخ نموده است تا پس از بررسی صدور احادیث از معصومان علیهم السلام، به تبیین مفاد و تحلیل کارکردهای آنها در تفسیر آیات پرداخته شود.

این نکته مهم نیز نباید فراموش شود که پس از پذیرش حجیت روایات در امور نظری و تفسیر آیات، مهم‌ترین ملاک در اعتبارسنجی آنها، موافقت محتوایی با خطوط کلی آموزه‌های قرآن و عترت یا عدم مخالفت صریح با آنهاست و ارزیابی سندی در درجه دوم سنجش قرار دارد.

پیش از ورود به موضوع تحقیق، ارائه گزارشی اجمالی از شناسه تحقیق ضروری است. از این رو، به بیان این مطالب می‌پردازیم.

## ۱. بیان موضوع و ابعاد ناشناخته و قلمرو آن

موضوع این تحقیق بررسی سندی و تحلیل دلالتی روایات تفسیری آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال است. بر این اساس، ابعاد مبهم و زوایای مجهول و قلمروهای ناشناخته پژوهش از این قرار است:

۱. چگونگی (درستی یا نادرستی) استناد روایات به اهل بیت علیهم السلام یا اطمینان به صدور از آنان با کاوش

در شناسنامه؛

۲. راویان احادیث و نیز بررسی مفاد آنها؛

۳. نقش کارکردهای تفسیری آنها: کشف لایه‌های متعدد مفهومی و مصداقی، ظاهری و باطنی؛

۴. موافقت یا عدم مخالفت مدالیل آنها با خطوط کلی آموزه‌های قرآن و عترت؛

۵. شناسنامه آموزشی روایات: مستقل و نامستقل؛ مستقیم و نامستقیم؛ استنادی و استشهادی و استفهامی و استدلالی.

## ۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اینکه نزول قرآن به گونه مجمل است و پیامبر ﷺ و امامان مفسلان و مفسران انحصاری آن‌اند، بهترین روشنگر آیات الهی و مهم‌ترین منبع علم تفسیر قرآن کریم سنت و سخنان ارزشمند آنان است و با عنایت به اینکه میان تفاسیر روایی موجود، جای تفسیر روایی تحلیلی با بیان انواع کارکردهای روایات در تفسیر آیات، به انضمام بررسی اسناد روایات و اعتبارسنجی آنها، بسیار خالی است، نگارنده در راستای تحقق این هدف، دست به قلم برده، که امید است با موفقیت در این مسیر گامی به پیش بردارد.

## پیشینه تحقیق

پایان‌نامه‌ها و مقالاتی با موضوع بررسی سندی روایات تفسیری سوره‌های قرآن کریم انجام گرفته است؛ از جمله پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر و امام صادق علیهما السلام (۱۳۸۸) نویسنده در این اثر، احادیث تفسیری صادقین علیهم السلام را بررسی کرده است. چون بررسی تمام روایات درباره همه آیات گستردگی فراوانی دارد، فقط احادیث مربوط به آیات جزء سی‌ام قرآن را بررسی کرده است. بررسی سند تمام روایات و جرح و تعدیلشان در نظر نویسنده نیست و تا آنجا که بین این روایات با قرآن و سنت تعارضی دیده نشده، صدور آن از معصوم را مفروض گرفته و به تحلیل آن پرداخته و آنجا که اندک تعارضی مشاهده کرده به نقد آنها بر اساس ملاک‌های نقد متنی و سندی موجود در منابع معتبر رجالی شیعه مراجعه کرده است؛ سید علی احمدی فروشانی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای به بررسی سندی و تحلیل دلای روایات تفسیری سوره کهف پرداخته که روایات بررسی شده در آن متفاوت با روایاتی است که در این پژوهش بررسی سندی و تحلیلی شده است.

در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و ارزیابی گونه‌های روایات تفسیری سوره حمد بر محور نور الثقلین»، نجم و همکاران (۱۳۹۷) روایات تفسیری این سوره را بر اساس دو مقوله کمی و کارکردی بررسی کرده، ولی به صحت و سقم سند روایات نپرداخته‌اند.

جوامع روایات تفسیری مانند *تفسیر قمی* و *تفسیر عیاشی* و *تفسیر فرات کوفی* و *الصافی* و *البرهان فی تفسیر القرآن* و *نور الثقلین* و *تفسیر کنز الدقائق* و *التفسیر الاثری* و *تفسیر اهل بیت* علیهم السلام تنها به گردآوری و

گزارش متون روایات پرداخته‌اند و به‌ندرت و پراکنده، درباره معانی برخی واژگان توضیحات کوتاهی داده‌اند؛ لیکن اعتبار اسناد و دلالت متون روایات را بررسی نکرده‌اند؛ هرچند در بحث روایی، در تفسیر گران‌سنگ *المیزان* و *تسنیم* گاه به اعتبار یا عدم اعتبار سند و تحلیل دلالت برخی روایات اشاره شده است.

بنابراین، تاکنون تفسیر روایی با بررسی سندی و تحلیل دلالتی و بیان انواع روایات و کارکردهای تفسیری آنها نگاشته نشده است.

از این رو، مهم‌ترین نوآوری‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال تاکنون از حیث سندی و تحلیل روایی مورد بحث محققان واقع

نشده و از این حیث، این مقاله بدیع است؛

۲. تحلیل دلالتی روایات ذیل آیه ۲۴ سوره انفال از منظر پرداختن به مسئله ولایت و مصداق جامع و

کامل عمل صالح، پذیرش ولایت حضرت علی و اهل‌بیت علیهم‌السلام و نیز بررسی موافقت آن با آیه جنبه دیگر نوآوری این مقاله است. از این رو، پیشینه‌ای همگون ندارد.

## مفهوم‌شناسی

شناخت مفاهیم در هر پژوهشی ضرورت دارد. از این رو، در این بخش ابتدا به معانی لغوی و اصطلاحی واژگان تحقیق می‌پردازیم:

### - سند

واژه سند در لغت، معنای مُعْتَمَد و تکیه‌گاه را می‌رساند و از عبارت «فَلانُ سَنَدٌ أی مَعْتَمَدٌ» گرفته شده و جمع آن «اسناد» است.<sup>۱</sup>

سند در اصطلاح دانش درایه، به سلسله روایانی گفته می‌شود که حدیث را به معصومان علیهم‌السلام می‌رسانند. به دیگر سخن، سند طریقی است که متن حدیث از آن راه روایت شده است و نام تعدادی راوی را دربرمی‌گیرد.<sup>۲</sup> شیخ بهایی در تعریف سند می‌نویسد: «سلسله رواته إلی المعصوم سنده».<sup>۳</sup>

گاه از سند به «طریق» یاد می‌شود؛ چون راه دستیابی به متن به شمار می‌رود؛<sup>۴</sup> چنان‌که از آن به «وجه» نیز تعبیر شده است. برای نمونه، گفته می‌شود: «وهذا الحدیث لا یعرف الا من هذا الوجه». واژه

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. عاملی، *وصول الأخبار الی اصول الأخبار*، تحقیق السید عبداللطیف، ص ۳۹۳.

۳. عاملی، *الوجیزة فی علم الدراية*، ص ۴.

۴. عاملی، *ارعاية فی علم الدراية*، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، ص ۲.

وجه در کتب رجالی از الفاظ مدح به شمار می‌آید؛ چنان که گفته می‌شود: «وجه من وجوه أصحابنا»<sup>۱</sup> یعنی راوی شخصیت و چهره‌ای برجسته میان شیعیان است.

در نگاهی کلی، می‌توان گفت اعتبارمندی سند به سه چیز وابسته و در سه عرصه قابل بررسی است:  
الف) اعتبار مأخذ؛

ب) اتصال حلقه‌های سند؛

ج) موثق یا معتبر بودن راوی از جهت صدق و ضبط.

اگر روایتی از منبعی ناشناخته یا مؤلفی نامعتبر گرفته شود یا در حلقه‌های سندش گسستی باشد یا بر فرض معتبر بودن منبع و حفظ اتصال، یک یا چند راوی دروغ‌پرداز یا ناضابط در سند باشند، سند روایت نامعتبر است.

### - تحلیل

این واژه از ریشه «ح ل ل» به معنای باز شدن اجزای یک مرکب است.<sup>۲</sup> «حَلَّتْ الْعُقْدَةُ»<sup>۳</sup> یعنی گره را باز کردم. این واژه در اصطلاح علوم مختلف (تجربی و فنی مهندسی) و ریاضی و انسانی با تناسب موضوعات و مسائل آنها، بار معنایی ویژه‌ای دارد. همچنین، در حوزه علوم اسلامی (فهم آیات و روایات) از آن معنای خاصی اراده می‌شود.

### - دلالت

دلالت از ریشه «د ل ل» و مصدر آن «دَلُّوْةٌ» و «الدلالة» و به معنای مقتضای لفظ در صورت اطلاق آن، و اسم فاعلش دال است.<sup>۴</sup> از دیدگاه برخی، دلیل به معنای نشان دهنده و ارشاد و کشف کننده است.<sup>۵</sup> براین اساس، معنای دلالت در لغت، نشان دادن و ارشاد چیزی به چیز دیگر است؛ لفظی باشد یا غیرلفظی، با قصد همراه باشد یا بدون قصد.<sup>۶</sup>

### - روایات تفسیری

به آن دسته از گفتار و رفتار و تقریرات معصومان علیهم‌السلام روایات تفسیری گفته می‌شود که می‌تواند به گونه‌ای

۱. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۲۷.

۲. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، ص ۲۰.

۳. فراهیدی، *العین*، ج ۳، ص ۲۷.

۴. فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲، ص ۱۹۹.

۵. عسکری، *الفروق فی اللغة*، ص ۶۰.

۶. مصطفوی، *التحقیق*، ج ۳، ص ۲۳۶.

ناظر به یک آیه یا سوره باشد و شأنتی برای تشریح و تبیین آن داشته باشد و برخی لایه‌های معنایی (دلالت تصویری یا تصدیقی) یا مصداقی‌اش را روشن کند؛ خواه این روشنگری به گونه مستقیم و با یادکرد از آیه و ناظر به آن باشد یا نامستقیم، که به چهار گونه موضوعی یا محمولی یا حملی یا تقریری و امضایی با آیات قرآن پیوند دارند.<sup>۱</sup>

### روایات تفسیری و تحلیلی آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال

با توجه به تبیین واژگان کلیدی موضوع تحقیق و آشکار شدن مفاهیم، در این بخش به موضوع اصلی پژوهش پرداخته می‌شود:

#### اطاعت از خدا و پیامبر

از آموزه‌های قرآنی در حوزه اخلاق بندگی که در آیه ۲۰ و ۲۴ سوره انفال به آن اشاره شده، اطاعت‌پذیری از خدا و پیامبر اوست. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبِعُوا حَيْثُمَا كَانُوا سَلِيمِينَ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت خدا و پیامبرش را کنید و سرپیچی نکنید، درحالی که سخنان او را می‌شنوید... و ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که مایه حیاتتان است.

در این بخش، نخست به تفسیر اجمالی آیه اشاره، و سپس به بررسی سند روایات تفسیری آیه و در پایان به تحلیل دلالتی روایات پرداخته می‌شود.

#### ۱. تفسیر اجمالی آیه

اگرچه در این آیه شریفه دستور به اطاعت عام است، اینجا درباره جنگ است: ای مؤمنان، درباره فرمان‌های مربوط به جنگ از خدا و رسولش اطاعت کنید و از او سرپیچی نکنید؛ چون همه احکامی که حضرت بیان می‌کنند به صلاح دین و دنیای شماست. از طرفی، برای انسان یک زندگی حقیقی هست که جز با پیروی از فرمان‌های اسلام به آن نمی‌رسد. بنابراین، دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید تا به زندگی حقیقی برسید و بدانید خدا مالک حقیقی انسان و دل اوست و اگر در دنیا این مطلب بر شما آشکار نشد، در

۱. حیدری فر، مهندسی فهم و تفسیر قرآن، ص ۳۷.

۲. انفال / ۲۰ و ۲۴.

روزی که همه شما نزد او اجتماع خواهید کرد آن را می‌فهمید. توضیح اینکه مغز دعوت خدا و رسولش خداشناسی است و از طرف دیگر، چون خدا از قلب انسان به او نزدیک‌تر است، قبل از اینکه انسان قلب خود را بشناسد، خدا را می‌شناسد. پس، تا دعوت خدا و رسولش را می‌شنود، باید بی‌درنگ اجابت کند. به علاوه، وقتی خدا از خود انسان به او نزدیک‌تر است، حتماً به آنچه در قلب او می‌گذرد، آگاه‌تر است. پس، انسان ناگزیر است دعوت آنها را بپذیرد، نه اینکه نفاق ورزد و به زبان چیزی بگوید که در دلش نیست.<sup>۱</sup>

## ۲. سند و متن شناسی

در این بخش، به درستی یا نادرستی استناد روایات به اهل بیت علیهم‌السلام یا اطمینان به صدور از آنان با کاوش در شناسنامه راویان احادیث پرداخته می‌شود:

### روایت یکم

كِتَابُ الْغَارَاتِ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ رُوِيَ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَتَبَ إِلَيَّ مُعَاوِيَةَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَيَّ مُعَاوِيَةَ... أَلَمْ تَعْلَمْ يَا مُعَاوِيَةُ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَنَحْنُ أَوْلُو الْأَرْحَامِ... أَدْعُوكَ يَا مُعَاوِيَةَ إِلَيَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَكِتَابِهِ وَوَلِيِّ أَمْرِهِ الْحَكِيمِ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَيَّ الَّذِي... «فَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» اتَّبَعْنَا وَأَقْتَدِرْنَا فَإِنَّ ذَلِكَ لَنَا آلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ مُفْتَرَضٌ فَإِنَّ الْأَفِيدَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ تَهْوِي إِلَيْنَا وَذَلِكَ دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ.<sup>۲</sup>

ابراهیم بن محمد ثقفی در کتاب *الغارات* آورده است: در روایت است که حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه چنین مرقوم فرمودند: ... ای معاویه، آیا نمی‌دانی نزدیک‌ترین کسان به ابراهیم کسانی هستند که از او و پیامبر تبعیت کردند و کسانی که ایمان آوردند و ما هستیم اولوالارحام؟ ... ای معاویه، تو را به سوی خدا و رسول و کتابش و سرپرستی حکیم از آل ابراهیم دعوت می‌کنم؛ ... «و مانند کسانی نباشید که گفتند شنیدیم و حال آنکه نمی‌شنوند.» از ما پیروی کن و به ما اقتدا کن؛ چراکه پیروی کردن از ما آل ابراهیم بر جهانیان واجب شده است. قطعاً دل‌های مؤمنان و مسلمانان به سوی ما تمایل دارد و آن دعوت فرد مسلمان است.

إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ: نجاشی می‌نویسد: او زیدی‌مذهب بود، سپس به مذهب شیعه گرایش

۱. طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۴۱ و ۴۳.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۳، ص ۱۳۸.

پیدا کرد.<sup>۱</sup> شیخ حر عاملی و میرزای نوری و نمازی شاهرودی و علامه تستری<sup>۲</sup> با توجه به قراین رجالی و نوع روایاتی که وی در فضایل اهل بیت نقل کرده و در اسناد تفسیر قمی واقع شده است، وی را توثیق کرده‌اند.<sup>۳</sup>

این روایت مرسل و نامعتبر است.

### روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» قَالَ: نَزَلَتْ فِي وَكَايَةِ عَلِيِّ عليه السلام؛<sup>۴</sup> ابن ربیع شامی می‌گوید درباره آیه «یا ایُّها الذّین آمنوا استجبوا لله وللرسول إذا دعاکم لما یحییکم» قال: نزلت فی وکایة علی عليه السلام؛<sup>۴</sup> لما یحییکم» از امام پرسیدم. فرمودند: این آیه درباره ولایت علی عليه السلام نازل شد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى: وی اهل کوفه و ثقه است.<sup>۵</sup>

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى: وی شیخ قم و از رجال سرشناس و فقیه این شهر بود. ثقه و جلیل و از بزرگان راویان حدیث امامیه<sup>۶</sup> از طبقه اصحاب امام هشتم تا امام یازدهم است.<sup>۷</sup> شیخ طوسی و علامه حلی وی را ثقه دانسته‌اند. کشی نیز روایاتی در احتیاط و دقت وی در نقل حدیث ذکر کرده است.<sup>۸</sup> او احمد بن محمد بن خالد برقی را از قم تبعید کرد تا اهمیت روایت از راویان قوی را نزد همگان آشکار سازد.<sup>۹</sup> مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ: او فردی ثقه در نقل حدیث است. ابن غضائری حدیث او را معروف و منکر دانسته و نجاشی به سبب اعتماد وی به مراسیل و نقل از ضعفا، حدیث او را ضعیف شمرده است؛<sup>۱۰</sup> اما از راه‌های گوناگونی وثاقت ایشان را می‌توان ثابت کرد:

۱. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۱۶.

۲. مجلسی، *الوجیزة فی الرجال*، ص ۱۵.

۳. قمی، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، ج ۲، ص ۳۳۵.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۱۵، ص ۵۶۶.

۵. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۵۹.

۶. کشی، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، ص ۵۹۶.

۷. ابن داود الحلی، *الرجال*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، ص ۴۳.

۸. کشی، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، ص ۵۹۶ - ۵۱۲.

۹. ابن غضائری، *الرجال*، ج ۱، ص ۳۹.

۱۰. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۳۵.



الف) شیخ طوسی و علامه حلی وی را توثیق کرده‌اند؛<sup>۱</sup>

ب) از بزرگان قم و یاران امام کاظم و امام رضا علیهما السلام و فردی مطمئن در نقل حدیث بود؛<sup>۲</sup>

ج) نام وی در اسناد کامل الزیارات آمده است؛<sup>۳</sup>

د) بزرگانی مانند حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، ابراهیم بن هاشم، محمد بن یحیی العطار و فرزندش، احمد بن محمد بن خالد برقی،<sup>۴</sup> از او حدیث نقل کرده‌اند؛

ه) انتساب کتاب به ابن غضائری مشکوک است و بر فرض ثبوت، تضعیفات وی اجتهادی است. **الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ**: از بزرگان راویان احادیث و فردی مطمئن در نقل حدیث است.<sup>۵</sup>

**النَّضْرُ بْنُ سُوَيْدٍ**: وی کوفی، ثقه، صحیح‌الحدیث و از اصحاب امام کاظم علیه السلام است.<sup>۶</sup>

**يَحْيَى الْحَلْبِيُّ**: وی ثقه، صحیح‌الحدیث و از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است.<sup>۷</sup>

**عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْكَانَ**: امامی و ثقه و جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۸</sup>

**زَيْدُ بْنُ الْوَلِيدِ الْخَثْعَمِيُّ**: در کتب رجال از وی نام برده نشده، اما با توجه به نقل عبدالله بن مسکان که از اصحاب اجماع است، می‌توان گفت او ثقه است و توثیق عام شامل او می‌شود.

**أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ**: وی خالد بن أوفی یا خلید بن أوفی مشهور به أبوریع شامی و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. ظاهراً او از یاران نزدیک امامان بوده است؛ چنان‌که بنا به روایتی، در سفر حج همراه امام باقر علیه السلام بوده و به منزل امام رفت‌وآمد داشته است.<sup>۹</sup>

در کتاب‌های متقدمان مدح یا ذمی برای وی ذکر نشده، اما عده‌ای از متأخران قرار داشتن نام برخی از اصحاب اجماع از جمله ابن مسکان را در طریق روایت او، ذکر نام وی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام و روایت علمای متقدم از او را نشانه مدح او دانسته و وی را توثیق کرده‌اند.<sup>۱۰</sup> بنابراین، وی ثقه است.

پس، روایت دوم مسند و معتبر است.

۱. طوسی، **الرجال**، به کوشش میر داماد و رجایی، ص ۳۶۳.

۲. حلی، **الرجال**، ص ۱۳۹.

۳. ابن قولویه، **کامل الزیارات**، ص ۱۰۸.

۴. کلینی، **الکافی**، ج ۱، ص ۲۸.

۵. نجاشی، **الرجال**، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۵۸.

۶. خوبی، **معجم رجال**، ج ۱۹، ص ۱۵۲.

۷. نجاشی، **الرجال**، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۴۴۵.

۸. کشی، **الرجال**، تحقیق سید مهدی رجایی، ص ۳۷۵.

۹. کلینی، **الکافی**، ج ۸، ص ۱۲۰.

۱۰. خوبی، **معجم رجال**، ج ۷، ص ۷۱.

## روایت سوم

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» يَقُولُ: وَكَأَيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، فَإِنَّ أَتْبَاعَكُمْ إِيَّاهُ وَوَكَايَتَهُ أَجْمَعُ لِأَمْرِكُمْ وَأَبْقَى لِلْعَدْلِ فِيكُمْ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَقُولُ: بَيْنَ الْمُؤْمِنِ وَمَعْصِيَتِهِ أَنْ تَقُودَهُ إِلَى النَّارِ، وَبَيْنَ الْكَافِرِ وَبَيْنَ طَاعَتِهِ أَنْ يَسْتَكْمِلَ بِهَا الْإِيمَانَ؛<sup>۱</sup> ... امام باقر عليه السلام فرمودند: منظور آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» ولایت علی بن ابی طالب است؛ زیرا پیروی از ولایتش موجب بقای عدالت و نظام اجتماع شما خواهد بود. و اما در مورد سخن خداوند که فرمود: «و بدانید که خداوند میان انسان و قلبش حائل می‌شود»، این گونه است که: خداوند میان مؤمن و گناهش که او را به سوی آتش می‌کشاند، حائل می‌گردد؛ و همچنین میان کافر و طاعتی که به وسیله آن به ایمان کامل برسد، حائل می‌شود.

احمد بن محمد بن سعید الهمدانی: فردی زیدی و جارودی است؛ ولی نجاشی وی را در میان حدیث‌گویان جلیل‌القدر معرفی می‌کند.<sup>۲</sup> بنابراین، وی ثقه در نقل حدیث است.

جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: جعفر بن عبدالله رأس المدری از بزرگان راویان شیعه و فردی فقیه و ثقه در نقل حدیث است.<sup>۳</sup>

كَثِيرِ بْنِ عِيَّاشٍ: مدحی در کتب رجالی ندارد و شیخ طوسی و آیت‌الله خویی به ضعف او تصریح کرده‌اند.<sup>۴</sup> قرآینی هم بر وثاقت وی نیست. پس فردی ضعیف است.

أَبِي الْجَارُودِ: زیاد بن منذر ابوالجارود، مکنّا به ابوالجارود و اهل کوفه و در طبقه اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود.<sup>۵</sup> در وثاقت او اختلاف هست. برخی وی را امامی زیدی و منسوب به فرقه جارودیه می‌شمارند که دارای اصل و کتابی در تفسیر قرآن بود. روایت وی میان اصحاب امامیه، بیش از روایات وی میان زیدیه است. اصحاب امامیه به روایات منقول وی از طریق محمد بن سنان اعتنا نمی‌کنند؛ ولی بر روایات محمد بن بکر أرجنی از ابوالجارود اعتماد دارند.<sup>۶</sup> محقق خویی وی را به دلیل شهادت شیخ

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. نجاشی، الرجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۹۴.

۳. همان، ص ۱۲۰.

۴. طوسی، الفهرست، ص ۲۰۳.

۵. نجاشی، الرجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۱۷۰.

۶. ابن‌الغضائری، الرجال، ص ۶۱.

مفید و شهادت علی بن ابراهیم در تفسیر قمی، ثقه دانسته است.<sup>۱</sup> توثیق عام ابن قولویه در *کامل الزیارات* شامل وی نیز می‌شود و نقل افراد مطمئن از راویان شیعه همچون حماد بن عیسی<sup>۲</sup> و حسن بن محبوب از اصحاب اجماع، حریز،<sup>۳</sup> زید الشحام، سیف بن عمیره، سماعة بن مهران و منصور بن یونس بیانگر اطمینان این افراد به وی است؛ افزون بر اینکه او صاحب اصل است<sup>۴</sup> و به سخنان صاحب اصل اعتماد می‌شود. با این توضیح، می‌توان به سخن وی اعتماد کرد و وی را فردی مطمئن دانست. بنابراین، روایت مسند و نامعتبر شمرده می‌شود.

#### روایت چهارم

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ دَعَا أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلَمْ جِبْهُ فَوَبَّخَهُ وَقَالَ أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ...»<sup>۵</sup>.

رسول خدا ابوسعید خدری را به نزد خود فراخواندند و او چون مشغول نماز خواندن بود، جواب ایشان را نداد. به همین دلیل، پیامبر او را توبیخ کردند و فرمودند: آیا این سخن خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ...»؟

این روایت به صورت مرسل نقل شده است. بنابراین، مرسل و نامعتبر شمرده می‌شود.

#### روایت پنجم

عنه عن أبيه عن فضالة بن أيوب الأزدي عن أبان الأحمر وحدثنا به أحمد عن ابن فضال عن ثعلبة بن ميمون عن حمزة بن الطيار عن أبي عبد الله... وسألته عن قول الله «يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» قال يشتهي سمعه وبصره ولسانه ويده وقلبه أما أنه هو غشي شيئاً مما يشتهي فإنه لا يأتيه إلا وقلبه منكر لا يقبل الذي يأتي يعرف أن الحق غيره.<sup>۶</sup>

حمزه طیار می‌گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آیه «يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» پرسیدم. ایشان فرمودند: «آن این است که به چیزی از طریق گوش، چشم، زبان و دست اشتها

۱. خوبی، *معجم رجال الحديث*، ج ۷، ص ۳۲۴.

۲. صفار قمی، *بصائر الدرجات*، ص ۸۴.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۵۳۲.

۴. طوسی، *الفهرست*، ص ۲۰۳.

۵. راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶. برقی، *المحاسن*، ج ۱، ص ۲۷۶.

پیدا کند، ولی با اینکه اشتها دارد، به هیچ وجه دست نمی‌زند؛ زیرا دلش آن را نمی‌پذیرد؛ چون می‌داند که حق در آن نیست».

عنه؛ احمد بن محمد بن خالد: به اتفاق رجال‌شناسان، فردی ثقة است. وی فردی جلیل‌القدر و مطمئن در نقل حدیث است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، اکثر روایات علمای شیعه از ایشان، بیانگر وثاقت راوی است. تنها نقل او از افراد ضعیف بیان شده است که ضعف محسوب نمی‌شود؛ زیرا ضعف مروی عنه به اعتبار شخص راوی لطمه نمی‌زند.<sup>۲</sup>

عن أبیه: محمد بن خالد برقی: ابن‌غضائری حدیث او را معروف و منکر دانسته و نجاشی به سبب اعتماد وی به مراسیل و نقل از ضعفا، حدیث او را ضعیف شمرده است؛<sup>۳</sup> اما از راه‌های گوناگونی وثاقت ایشان را می‌توان ثابت کرد:

(الف) شیخ طوسی و علامه حلی وی را توثیق کرده‌اند؛<sup>۴</sup>

(ب) از بزرگان قم و یاران امام کاظم و امام رضا علیهما السلام و فردی مطمئن در نقل حدیث بود؛<sup>۵</sup>

(ج) نام وی در اسناد کامل الزیارات آمده است؛<sup>۶</sup>

(د) سخن نجاشی که «إِنَّهُ ضَعِيفٌ فِي الْحَدِيثِ» در تضعیف حدیث او ظهور دارد، نه خودش؛<sup>۷</sup>

(هـ) بزرگانی مانند حسین بن سعید اهوازی<sup>۸</sup> و احمد بن محمد بن عیسی اشعری؛<sup>۹</sup> ابراهیم بن هاشم و

محمد بن یحیی العطار و فرزندش، احمد بن محمد بن خالد برقی،<sup>۱۰</sup> از او حدیث نقل کرده‌اند؛

(و) انتساب کتاب به ابن‌غضائری مشکوک است و بر فرض ثبوت، تضعیفات وی اجتهادی است.

فَضَالَةٌ بِنِ أَيْوَبَ الْأَزْدِيِّ: فضالة بن ایوب از بزرگان راویان احادیث<sup>۱۱</sup> و از اصحاب اجماع<sup>۱۲</sup> و فردی

مطمئن در نقل حدیث است.

۱. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۷۶.

۲. ابن‌غضائری، *الرجال*، ص ۳۹.

۳. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۳۵.

۴. طوسی، *الرجال*، به کوشش میر داماد و رجایی، ص ۳۶۳؛ حلی، *الخلاصة*، ص ۱۳۹.

۵. حلی، *الرجال*، ص ۱۳۹.

۶. ابن‌قولویه، *کامل الزیارات*، ص ۱۰.

۷. خوبی، *معجم رجال‌الحدیث*، ج ۱۶، ص ۶۶.

۸. حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۲۸، ص ۲۶۱.

۹. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۲ و ۲۸۸.

۱۰. طوسی، *تهذیب الأحکام*، ج ۱، ص ۳۴۴ و ج ۷، ص ۸.

۱۱. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۱۰.

۱۲. کشی، *الرجال*، تحقیق سید مهدی رجایی، ص ۵۵۶.

أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ: ایشان از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است.<sup>۱</sup> همچنین، از اصحاب اجماع شمرده شده و به سبب روایت دیگر اصحاب اجماع از او، احادیش پذیرفتنی است.<sup>۲</sup> به گفته کشی، وی از پیروان ناووسیه و عقیده اش فاسد است.<sup>۳</sup> به گفته محقق خویی، این برداشت به دلیل اشتباه در نسخه برداری است؛ یعنی قادسیه به خطا ناووسیه ثبت شده است. اگر او ناووسی بود، چگونه می توانست از ابوالحسن موسی الکاظم علیه السلام روایت کند؟ زیرا ناووسیه بر امام صادق علیه السلام توقف کردند.<sup>۴</sup> علامه حلی نیز می نویسد: «هرچند ابان فاسدالمذهب است، به سبب اجماع مذکور، من قبول روایت او را اقرب می دانم».<sup>۵</sup> به هر حال، وی شخصیتی امامی و از اصحاب اجماع و ثقه است.

حسن بن علی بن فضال: وی امامی و ثقه و جلیل است. او نخست فطحی مذهب بود؛ لیکن در پایان عمرش به مذهب حق بازگشت.<sup>۶</sup>

ثَعْلَبَةُ بْنُ مَيْمُونٍ: وی شخصیتی ثقه، خیر و فاضل و مقدم، معلوم الحال میان علما و فقهای بزرگ، چهره سرشناس میان اصحاب، قاری و فقیه بسیار روایت کننده و کثیرالعبادة و زاهد بود.<sup>۷</sup>

حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ الطَّيَّارِ: وی کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که در زمان حیات امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و امام صادق علیه السلام برای او طلب رحمت و مغفرت کردند.<sup>۸</sup> با توجه به مطالب بیان شده، این روایت مسند و نامعتبر است.

#### روایت ششم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ وَسَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعًا قَالَا حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - «أَنْ اللَّهُ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» قَالَ يَحُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ وَقَدْ قِيلَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ بِالْمَوْتِ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْقُلُ الْعَبْدَ مِنْ

۱. نجاشی، الرجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۸۱۳.

۲. حلی، الخلاصة، ص ۲۱.

۳. کشی، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، ص ۳۵۲.

۴. خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱، ص ۱۶۰.

۵. حلی، الخلاصة، ص ۲۱.

۶. نجاشی، الرجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۴.

۷. حلی، الخلاصة، ص ۳۰.

۸. خویی، معجم رجال، ج ۶، ص ۲۷۹.

الشَّقَاءِ إِلَى السَّعَادَةِ وَلَا يَنْقُلُهُ مِنَ السَّعَادَةِ إِلَى الشَّقَاءِ.<sup>۱</sup>

هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام درباره این کلام خداوند «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» فرمودند: خداوند حائل می‌شود بین انسان و بین اینکه باطل را حق بداند. همچنین گفته شده است خداوند بین انسان و قلب او به وسیله مرگ فاصله می‌اندازد. نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای متعال شاید بنده را از فلاکت به رستگاری سوق دهد، اما او را از سعادت به شقاوت منتقل نمی‌کند.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ: بزرگ علمای قم و از مشایخ شیخ صدوق و ثقه در نقل

حدیث است.<sup>۲</sup>

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ: وی امامی و ثقه و جلیل است. وی متوفای سال ۲۹۰ قمری و از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و شخصیت های سرشناس و بزرگان حدیثی شیعه بود. نجاشی می‌نویسد: ایشان وجه اصحاب ما در قم و ثقه و عظیم‌القدر بود.<sup>۳</sup> شیخ طوسی و ابن داود وی را از چهره های درخشان شیعه در قم و شخصیتی بلندمرتبه و ثقه و مورداعتماد در نقل حدیث معرفی کرده‌اند.<sup>۴</sup>

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: وی جلیل‌القدر و واسع‌الخبار و کثیرالتصانیف و شیخ طایفه و فقیه و وجه امامیه بود و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام شمرده می‌شود؛ هرچند در ملاقات وی با آن حضرت اختلاف هست و برخی آن را صحیح نمی‌دانند.<sup>۵</sup> وی فردی جلیل‌القدر و مطمئن در نقل حدیث و از بزرگان حدیثی شیعه به شمار می‌آید.<sup>۶</sup>

أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ: ایشان از وکلای امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام است و از مقام و منزلت بزرگ در نزد این دو امام برخوردار است. نیز در نقل حدیث ثقه است.<sup>۷</sup>

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: وی ثقه و جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلت است.<sup>۸</sup> نجاشی درباره وی می‌نویسد: «وثاقت و منزلت والای ایشان بر امامیه و عامه پوشیده نیست».<sup>۹</sup> شیخ طوسی افزون بر توثیق همه مشایخ وی،

۱. ابن بابویه قمی، *التوحید*، ص ۳۵۸.

۲. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۲۶۱.

۳. همان، ص ۳۵۴.

۴. طوسی، *الرجال*، به کوشش میر داماد و رجایی، ص ۴۰۲.

۵. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۸، ص ۷۷.

۶. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۱۷۷.

۷. طوسی، *الرجال*، به کوشش میر داماد و رجایی، ص ۳۵۲.

۸. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۳۲۷.

۹. همان.

درباره او می‌نویسد: «از موثق‌ترین مردم نزد خاصه و عامه و باورترین و عابدترین آنان بود»<sup>۱</sup>.  
هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ: وی امامی و جلیل و ثقه است. کشی روایات فراوانی در مدح وی آورده است.<sup>۲</sup>  
نجاشی و ابن‌داود و علامه حلی نیز با تأکید آورده‌اند: «ثقة ثقة»<sup>۳</sup>.  
بنابراین، این روایت مسند و معتبر است.

### روایت هفتم

کتاب العتیق العروی مُنَاجَاةُ مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ حُلٌّ بَيْنِي وَبَيْنَ التَّعَرُّضِ لِسَخَطِكَ وَأَقْبَلُ بِقَلْبِي إِلَيْ طَاعَتِكَ وَأُوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ.<sup>۴</sup>  
امام سجاده علیه السلام در مناجات خود می‌فرماید: «ای کسی که مانع می‌شود بین انسان و قلبش، بین من و آنچه موجب خشم تو می‌شود فاصله بینداز و قلب مرا بر عبادت خود متوجه کن و مرا در شکرگزاریات کمک کن».

این روایت در کتاب العتیق العروی بدون سند ذکر شده است. این کتاب همان مجمع الدعوات است که نویسنده آن محمد بن هارون بن موسی بن احمد تلعبری، از محدثان نامدار امامیه در قرن چهارم هجری قمری است.<sup>۵</sup> نجاشی از او و پدرش روایت نقل می‌کند.<sup>۶</sup>  
بنابراین، روایت مرسل و نامعتبر است.

### ۳. تحلیل دلالتی روایت

در تحلیل روایت یکم می‌توان گفت:

- از تعدد نامه‌نگاری‌های حضرت علی علیه السلام با معاویه می‌توان نتیجه گرفت که امام هرگز اقدام به جنگ با معاویه نکردند، مگر آن زمان که از هر نظر حجت را بر او تمام کردند؛ به گونه‌ای که جنگ آخرین درمان در برابر تفرقه‌افکنی معاویه بود؛

- در این نامه امام با تکیه بر یادآوری توحید، نبوت و کتاب قرآن که از اصول مسلم و بایسته‌های اولیه در نزد مسلمانان است، معاویه را به وجوب اطاعت و بیعت با امام دعوت کرده‌اند و با ظرافت خاصی

۱. طوسی، الفهرست، ص ۴۰۴.

۲. کشی، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، ص ۲۸۲.

۳. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۹۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۳۲.

۵. تهرانی، الذریعه، ج ۸، ص ۲۴۲ و ج ۲۰، ص ۲۸.

۶. امین عاملی، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۸۲.

اطاعت بی‌چون‌وچرا از امام را هم‌سنگ و هم‌وزن اطاعت خدا و رسول خدا ﷺ شمرده‌اند؛

– از آنجاکه قرآن کریم برای نخستین بار از حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان امام یاد می‌کند،<sup>۱</sup> حضرت علی علیه السلام در این گفتار با معاویه، امامت اهل بیت علیهم السلام را استمرار امامت و ثمره دعای حضرت ابراهیم دانسته و اهل بیت علیهم السلام را نزدیک‌ترین افراد و نسل‌ها در عمل، رفتار و گفتار به ابراهیم علیه السلام بر شمرده‌اند، که دل‌های مؤمنان و مسلمانان به سوی آنها تمایل دارد. از سوی دیگر، امام در این دعوت‌نامه، قرآن را مستند و جوب تبعیت از امام معرفی کرده‌اند.

در تحلیل روایت دوم و سوم که امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ» فرمودند: «این آیه درباره ولایت علی علیه السلام نازل شد»، می‌توان گفت انسان علاوه بر زندگی مادی، دارای یک زندگی حقیقی است که کامل‌تر از حیات و زندگی دنیایی است و به فرموده قرآن کریم،<sup>۲</sup> زمانی به این زندگی حقیقی می‌رسد که استعدادها و ظرفیت‌های درونی او با آراستگی به دین و عمل صالح همراه شود.

بدون تردید، مصداق جامع و کامل عمل صالح پذیرش ولایت حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام است که در راستای اطاعت از خدا و پیامبر قرار دارد و باعث رشد و شکوفایی زیبایی‌های اخلاقی و فروکش کردن زشتی‌های اخلاقی در جامعه می‌شود و مقدمات حیات حقیقی را برای انسان‌ها فراهم می‌کند؛ چراکه حیات حقیقی از طرف خداوند به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام عنایت شده و اگر بخواهد به فرد دیگری راه یابد، از طرق اهل بیت علیهم السلام خواهد بود. بنابراین، هرچه انسان به ولایت نزدیک‌تر باشد، سهم بیشتری از حیات حقیقی خواهد داشت؛ چنان‌که هرچه از آن دورتر و کم‌مطابق باشد، سهمش از حیات حقیقی اندک‌تر خواهد بود.

در تحلیل روایت چهارم، می‌توان گفت اولاً خداوند در قرآن برای اینکه مسلمانان را به منزلت و جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آگاه کند و طریقه معاشرت با پیامبر را به مسلمانان یاد دهد، می‌فرماید: در حضور رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم صدای خود را بلندتر از صدای او نکنید و ایشان را به اسم خطاب نکنید و غیرمؤدبانانه با آن حضرت برخورد نکنید.<sup>۳</sup> نیز درباره شأن رفیع پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت چنین آمده است که آن حضرت ابوسعید خدری را که در حال نماز بود صدا زدند؛ ولی او به گمان مخل به نماز بودن اجابت آن فراخوان، جواب نداد. بعد از نماز، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وی را نکوهش کردند و این آیه شریفه را که بیانگر عظمت آن حضرت است، تلاوت فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ».<sup>۴</sup>

۱. بقره / ۱۲۴.

۲. نحل / ۹۷.

۳. حجرات / ۲.

۴. انفال / ۲۴.



از این رو، بر اساس انضمام آیه مزبور به این حدیث، بعضی از بزرگان امامیه، مانند علامه، فتوا داده‌اند که اگر کسی در حال نماز به ندای پیامبر پاسخ داد، نمازش باطل نشده و معصیتی هم نکرده است؛ ولی بعضی از علمای اهل سنت می‌گویند: چنین کسی تکلیفاً معصیتی نکرده است، ولی وضعاً نمازش باطل می‌شود؛<sup>۱</sup> ثانیاً نماز و ولایت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام چنان جایگاه و اهمیتی در اصالت دین دارند که حذف هر دو یا یکی از آنها کالبد دین و دین‌داری را بی‌جان می‌کند و باینکه نماز در روایات با تعبیری مانند ستون دین، نور مؤمن، معراج مؤمن و نشانه ایمان ذکر شده است، در رتبه بعد از ولایت قرار دارد؛ چون ولایت از همه احکام الهی جایگاه برتری دارد و تأمین‌کننده و تضمین‌کننده همه احکام الهی است؛ چنان که امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ عَلَيَّ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَالْوَلَايَةُ وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ.<sup>۲</sup>

خداوند اسلام را بر پنج چیز بنا کرد: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت و آن‌گونه که به ولایت ندا شده، به چیزی ندا داده نشده است. اما مردم به چهار رکن اخذ کردند؛ ولی این یعنی ولایت را رها کردند.

بر اساس روایت پنجم، ششم صدوق و هفتم که در تبیین و تفسیر «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» نقل شده‌اند، می‌توان گفت از آنجاکه خداوند مالک اصلی قلوب است و احاطه کامل به قلب انسان دارد، به گونه‌ای که در روایت فرموده است: «فَإِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>۳</sup> و از جهتی دیگر، از همه چیز به انسان نزدیک‌تر و آگاه به مصالح و منافع اوست، انسان باید بدون هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای، دعوت خدای متعال و پیامبرش را بپذیرد؛ چراکه اجابت دعوت الهی و رسولش حیات طیبه را در پی دارد. حیات طیبه حیاتی است که در آن خداوند بین انسان و کفر، معصیت و شرک و کج‌فهمی و موت عقل مانع، و سبب می‌شود انسان در مسیر سعادت و رستگاری قرار گیرد. در صورت عدم اجابت خدا و رسولش، انسان از این الطاف الهی بی‌بهره می‌ماند و مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد. نتیجه این خشم و غضب موت قلب و درنهایت قرار گرفتن در مسیر شقاوت و بدبختی یا به طور کلی، از دست دادن نعمت حیات است. با این بیان، درحقیقت می‌توان گفت روایات تفسیری این بخش از آیه از یک سو بشارت است و از سوی دیگر انداز.

۱. جوادی آملی، سیره رسول اکرم در قرآن، ج ۹، ص ۳۲۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۳. ابن بابویه قمی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۷.

## توجه به نعمت‌های الهی

در سوره انفال توجه به نعمت‌های الهی از آموزه‌های قرآنی در حوزه اخلاق بندگی است. خداوند در این زمینه می‌فرماید:

وَأذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ  
بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.<sup>۱</sup>

و به یاد بیاورید هنگامی که شما گروهی کوچک و اندک و ضعیف در روی زمین بودید؛ آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را برابیند، ولی او شما را پناه داد و یاری کرد و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مندتان ساخت تا شکر نعمتش را به جا آورید.

### ۱. تفسیر اجمالی آیه

این آیه تعبیر لطیفی است که نهایت ضعف و کمی نفرات مسلمانان را در آن زمان آشکار می‌سازد؛ آن چنان که گویی همانند یک جسم کوچک در هوا معلق بودند که دشمن به‌آسانی می‌توانست آنها را برآید و این اشاره به وضع مسلمانان در مکه قبل از هجرت در برابر مشرکان نیرومند یا اشاره به مسلمانان بعد از هجرت در مقابل قدرت‌های بزرگ آن روز همانند ایران و روم است. ولی خداوند شما را پناه داد و با یاری خود شما را تقویت کرد و از روزی‌های پاکیزه شما را بهره‌مند ساخت.<sup>۲</sup>

### ۲. سند و متن‌شناسی

در این بخش به درستی یا نادرستی استناد روایات به اهل بیت علیهم‌السلام یا اطمینان به صدور از آنان با کاوش در شناسنامه راویان احادیث پرداخته می‌شود:

### روایت یکم

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ فِي كِتَابِ الرَّسَائِلِ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: كَتَبَ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كِتَابًا بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ التَّهْرَوَانِ وَأَمَرَ أَنْ يُقْرَأَ عَلَيَّ النَّاسُ ... وَقَدْ خَصَّ اللَّهُ قُرَيْشًا  
بثَلَاثِ آيَاتٍ وَعَمَّ الْعَرَبَ بآيَةٍ، فَأَمَّا الْآيَاتُ اللَّوَاتِي فِي قُرَيْشٍ فَهِيَ [كَذَا] قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَأذْكُرُوا  
إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ  
وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» وَالثَّانِيَّةُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

۱. انفال / ۲۶.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۴.

ارْتَضِيَ لَهُمْ وَكَيْدَلْتَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا، وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». وَالثَّالِثَةُ قَوْلُ قُرَيْشٍ لِنَبِيِّ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ دَعَاهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَالْهَجْرَةِ، «فَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُنْخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا» فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَ وَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا، وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» وَأَمَّا الْآيَةُ الَّتِي عَمَّ بِهَا الْعَرَبَ فَهِيَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»<sup>۱</sup> حضرت علی علیه السلام بعد از اتمام جنگ نهروان نامه‌ای نوشتند و امر کردند نامه برای مردم خوانده شود. فرمودند: خداوند سه آیه مختص قریش و یک آیه درباره تمام عرب‌ها نازل فرموده است. اما آیاتی که مختص قریش است اینهاست: «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ...»؛ آیه دوم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ...»؛ و آیه سوم: «فَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُنْخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا...». اما آیه‌ای که مربوط به همه عرب‌هاست آیه «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ...» است.

این روایت در کتاب **كشف المحجبه** سید بن طاووس به گونه مرسل از مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قمی آمده است.

علی بن ابراهیم قمی: وی از مشایخ شیخ کلینی بود. در آغاز تفسیرش ملتزم شده تمام روایاتش از ثقات به او رسیده است: «و نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتہی إلینا و رواہ مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم»<sup>۲</sup> به گفته نجاشی، شخصیتی موثق و مورد اطمینان در نقل روایات است.<sup>۳</sup> وثاقت هر دو راوی در صفحات قبل بررسی شد.

بنابراین، روایت مرسل و نامعتبر است.

## روایت دوم

وَرَوَاهَا الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي كِتَابِ الْإِحْتِجَاجِ مُرْسَلًا، وَنَحْنُ نُورِدُهَا بِلَفْظِهِ، ثُمَّ نُشِيرُ إِلَى مَوْضِعِ التَّخَالُفِ بَيْنَ الرَّوَايَاتِ فِي أَثْنَاءِ شَرْحِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى: رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَيَّ مَنَعَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَذَكَرْتُ، وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ... تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْفَذَكُمُ اللَّهُ

۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۰، ص ۹.

۲. قمی، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، ج ۱، ص ۴.

۳. نجاشی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۱۶.

تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ ﷺ بَعْدَ اللَّتِيَّ وَالَّتِي، وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالُ، وَذُوْبَانَ الْعَرَبِ، وَ... أَوْ  
نَجْمَ قَرْنٍ لِلشَّيْطَانِ، وَفَعَرَتْ فَاعِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ  
صِمَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيُخَمِدَ لَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَمُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ  
رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

زمانی که ابوبکر حضرت زهرا علیها السلام را از فدک منع کرد، ... حضرت فرمودند: «شما از هجوم همسایه و همجوار در هراس بودید. در چنین شرایطی، شما را به وسیله پیامبرش رهایی بخشید. پس از آن همه رنج و سختی که ایشان تحمل کردند و دچار مردان حیوان صفت و درنده خویان عرب شدند، چون هر زمان آتشی برای جنگ افروخته و شاخی برای گمراهی نمایان شد یا مشرکی دهان به یاوه گویی گشود، حضرت برادرشان، علی علیه السلام را در کام آن می افکندند و علی علیه السلام هم تا آن زمان که با کف پایش بر مغز مخالفان نمی کوبید و آتش فتنه را با شمشیرش خاموش نمی ساخت، از پای نمی نشست. او در راه خداوند کوشا، به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک و بزرگ اولیای خداست.»

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ: أحمد بن علی بن ابی طالب طبرسی از علمای نیمه اول قرن ششم هجری قمری است که فردی محدث، متکلم و فقیه و مورد وثاقت شیعه بوده است. زمان ولادت و وفات ایشان معلوم نیست. تنها با شواهد و به نقل از علامه بحرالعلوم، با سنجیدن ولادت و وفات، معاصران و شاگردان، ایشان را از رجال یونی می دانند که اوایل قرن ششم را درک کرده است. اصالت ایشان ایرانی است. وی مورد اعتماد بزرگانی چون شیخ حر عاملی، شهید اول و همچنین خوانساری صاحب *روضات الجنات* بوده که وی را به صفاتی چون محدث ثقه، عالم، فاضل و فقیه ستوده‌اند. ابن شهر آشوب، عالم بزرگ قرن ششم هجری قمری، از شاگردان مشهور وی است.<sup>۲</sup>

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ: وی عبدالله المحض بن الحسن المثنی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است و چون نسب او از طرف پدر و مادر به علی بن ابی طالب علیه السلام می رسد، به عبدالله محض معروف است و در عصر خود بزرگ بنی هاشم به حساب می آید. بنابراین، این روایت مرسل و نامعتبر است.

### ۳. تحلیل دلالتی روایت

بر اساس روایت یکم، سه آیه مخصوص قریش است:

۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۹، ص ۲۲۰.

۲. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۱، ص ۶-۵.

آیه «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ»<sup>۱</sup> حکایت از دوران سخت مسلمانان در قبل از هجرت و پیروزی‌ها و قدرت روزافزون آنها بعد از هجرت دارد؛

آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»<sup>۲</sup> حکایت از زمانی است که مسلمانان قریش قصد عمره کرده بودند، اما مشرکان اجازه نمی‌دادند. خداوند به آنها وعده داد که با عزت وارد مکه خواهند شد؛

آیه سوم «وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا...»<sup>۳</sup> حکایت بعضی از افراد قریش است که به پیامبر می‌گفتند: اگر ما دعوت تو را بپذیریم و با تو همراه شویم، از خانه و کاشانه آواره و از زندگی ساقط می‌شویم.

آیه «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ...»<sup>۴</sup> نیز به تمام عرب‌ها اختصاص دارد؛ چراکه بعضی اعراب مانند قبیله اوس و خزرج بیش از صد سال در جنگ با یکدیگر بودند، ولی به برکت اسلام جنگ و خونریزی را کنار گذاشتند و با یکدیگر متحد شدند.<sup>۵</sup>

در تحلیل روایت دوم به دو مطلب می‌توان اشاره کرد:

حضرت زهرا علیها السلام وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را دو نعمت بزرگ الهی برای مسلمانان برشمرده‌اند. به عبارت دیگر، نبوت و امامت را خمیرمایه قدرت و امنیت مسلمانان دانسته و به آنها یادآوری کرده‌اند که وقتی خورشید اسلام در سرزمین جاهلیت طلوع کرد، مسلمانان در مکه به دلیل کمی نفرت همواره مورد شکنجه و آزار مشرکان قرار می‌گرفتند و مدام در حال تهدید و اضطراب به سر می‌بردند. از این رو، به دلیل حفظ جان خود و رهایی از آن اوضاع رقت‌انگیز و اسفبار، ناچار به ترک وطن و هجرت به مناطق دیگر می‌شدند. زمانی هم که به همراه پیامبر به مدینه هجرت کردند، فاقد سرپناه و کاشانه بودند؛ اما در اواخر بعثت و به برکت وجود پیامبر و رشادت‌های حضرت علی علیه السلام، خدای متعال چنان قدرتی به مسلمانان داد که دشمنان اسلام (مشرکان، منافقان، یهودیان) مدام احساس خطر می‌کردند و در ترس به سر می‌بردند؛

حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حق خویش و برای به دست آوردن فدک، به گونه هوشمندانه و عالمانه پیش‌گام بودن علی علیه السلام در جهاد و مبارزه با فتنه و نزدیک‌ترین و امین‌ترین شخص در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان ویژگی‌های علی علیه السلام به ابوبکر یادآوری می‌کنند.

۱. انفال / ۲۶.

۲. نور / ۵۵.

۳. قصص / ۵۷.

۴. آل عمران / ۱۰۳.

۵. قمی، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، ج ۱، ص ۱۰۸.

## نتیجه

پژوهش حاضر پس از بررسی روایات تفسیری آیات ۲۰، ۲۴ و ۲۶ سوره انفال از حیث سندی و دلالت محتوایی در مخالفت یا عدم مخالفت با آیات قرآن، به نتایج ذیل دست یافت. در بررسی سندی روایات به دست آمد که در میان روایات تفسیری سوره انفال، هفت روایت ناظر به باید اخلاقی، اطاعت‌پذیری از خدا و رسول خداست. از این هفت روایت، دو روایت مسند و معتبر و پنج روایت دیگر مرسل و نامعتبر است. دو روایت تفسیری دیگر متعلق به باید اخلاق بندگی، یعنی توجه به نعمت‌های الهی است که هر دو این روایات مرسل و نامعتبرند.

از تحلیل روایات تفسیری این آیات روشن شد که انسان علاوه بر زندگی مادی، دارای زندگی حقیقی است و زمانی به این زندگی حقیقی می‌رسد که استعدادها و ظرفیت‌های درونی او با آراستگی به دین و عمل صالح همراه شود. بدون تردید، مصداق جامع و کامل عمل صالح پذیرش ولایت حضرت علی و اهل بیت علیهم‌السلام است که در راستای اطاعت از خدا و پیامبر قرار دارد. بنابراین، هرچه انسان به ولایت نزدیک‌تر، و اطاعت‌پذیرتر باشد، سهم بیشتری از حیات حقیقی خواهد داشت؛ چنان که هرچه از آن دورتر و کم‌مطابق باشد، سهمش از حیات حقیقی اندک‌تر خواهد بود. بر اساس آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ»، می‌توان گفت از آنجاکه خداوند مالک اصلی قلوب است و احاطه کامل به قلب انسان دارد، به گونه‌ای که در روایت فرموده است: «فَإِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ إصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> و از جهتی دیگر، از همه‌چیز به انسان نزدیک‌تر و آگاه‌تر به مصالح و منافع اوست، انسان باید بدون هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای، دعوت‌های متعال و پیامبرش را بپذیرد؛ چراکه اجابت دعوت الهی و رسولش حیات طیبه را در پی دارد. حیات طیبه حیاتی است که در آن خداوند بین انسان و کفر، معصیت و شرک و کج‌فهمی و موت عقل مانع، و سبب می‌شود انسان در مسیر سعادت و رستگاری قرار گیرد. با این بیان، درحقیقت می‌توان گفت روایات تفسیری این بخش از آیه از یک سو بشارت است و از سوی دیگر انداز.

نیز از روایات تفسیری آیه ۲۶ سوره انفال این تحلیل برداشت شد که حضرت زهرا علیها‌السلام نبوت و امامت را خمیرمایه قدرت و امنیت مسلمانان دانسته‌اند؛ مخصوصاً در اواخر بعثت و به برکت وجود پیامبر و رشادت‌های حضرت علی علیه‌السلام، خدای متعال چنان قدرتی به مسلمانان داد که دشمنان اسلام (مشرکان، منافقان و یهودیان) مدام احساس خطر می‌کردند و در ترس به سر می‌بردند.

۱. ابن بابویه قمی، *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۵۷۷.

## منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم، چ ۲، ۱۳۷۳.
- ابن الغضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
  - ابن بابویه قمی، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه المدرسین، چ ۲، ۱۳۹۸ ق.
  - ابن بابویه قمی، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه المدرسین، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
  - ابن بابویه قمی، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
  - ابن داود الحلّی، حسن بن علی، الرجال، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، قم، الرضی، ۱۳۹۲ ق.
  - ابن طاووس، علی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، ۱۴۰۶ ق.
  - ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
  - ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، قم، پیام حق، ۱۳۷۷ ق.
  - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
  - امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
  - برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب، چ ۲، ۱۳۷۱ ق.
  - تهرانی، محمد محسن، الدرر، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
  - ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران، عطار، ۱۳۷۳.
  - جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۸۷.
  - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
  - حلّی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
  - حیدری فر، مجید، مهندسی فهم و تفسیر قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
  - خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، قم، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
  - عاملی، زین الدین بن علی، الرعاية فی علم الدرایه، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.
  - صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
  - طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
  - طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

- طوسی، محمد بن حسن، **الرجال**، به کوشش میرداماد و رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق.
- طوسی، الفهرست، ص ۲۰۳.
- عاملی، حسین بن عبدالصمد، **وصول الاخبار الى اصول الاخبار**، تحقیق: السيد عبد اللطيف الكوهكمری، قم، نشر مجمع الذخائر الاسلاميه، ۱۴۰۱ ق.
- عسکری، حسن بن عبدالله، **الفروق في اللغة**، بیروت، دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق.
- فراهیدی، خليل بن احمد، **العین**، قم، هجرت، چ ۲، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم، مؤسسه دار الهجره، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الكتاب، چ ۴، ۱۳۶۷.
- کشی، محمد بن عمر، **اختیار معرفة الرجال**، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- کشی، محمد بن عمر، **الرجال**، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلاميه، چ ۴، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
- مصطفوی، حسن بن عبدالرحیم، **التحقیق في کلمات القرآن الکریم**، تهران، نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الاسلاميه، ۱۳۸۰.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، **الرجال**، تحقیق سید موسی شییری زنجانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۱۸ ق.
- **جامع التفاسیر**، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- **جامع الأحادیث**، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- **دراية النور**، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.